

محمد علی موحد

در خانه اگر کس است

همراه

اعلامیه جهانی حقوق بشر

با طرح‌های اردشیر رستمی

(در هوای حقوق بشر)

و

— میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

— میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

تهران ۱۳۹۳

فهرست

۱۱ دیباچه
۱۵ فصل اول : حقوق جهانی بشر
۱۹ از تأکید بر عدم مداخله دولت تا تأکید بر لزوم مداخله
۲۰ درجه بندی حقوق آزادی ها
۲۲ طبقه بندی حقوق از نظر هدف و وسیله
۲۳ حقوق بشر و دولت
۲۵ قداست زدایی از قدرت و تقویت دولت
۲۵ حاکمیت دولت و آزادی
۲۷ قرارداد اجتماعی و قرائت های از آن
۳۰ لاک و قرائتی دیگر از قرارداد اجتماعی
۳۲ آزادی عمل دولت ها در امور داخلی
۳۶ تحلیلی از حقوق جهانی بشر
۴۲ سه اصل اساسی در حقوق بشر
۴۳ مشکلات حقوق بشر
۴۴ حکومت بر معیارهای ملی
۴۵ ویژگی های حقوق بشر
۴۶ حکومت قانون
۴۷ منتقدان حقوق بشر از برک تا سولژنیتسین
۴۸ مارکس و انتقادهای او
۴۹ انتقادهای تازه تر
۵۱ نگرش ابزاری به حقوق بشر
۵۲ داوری منصفانه
۵۷ فصل دوم : سه پیروزی بزرگ
۵۹ جستار اول : پیروزی در جنبه کهنه اندیشی ها
۵۹ حقوق بشر و ریشه های دینی آن
۶۱ سکوت عمدی در ارجاع به سوابق دینی
۶۲ اسلام و منادیان تجدد
۶۴ دوتیرگی علما در برخورد با تجدد
۶۵ حقوق بشر و قرائت های گوناگون آن
۶۶ استانداردهای حداقلی حقوق بشر

- ۶۷ سه اصل اصیل
- ۷۰ خشونت
- ۷۰ دیوار سوء تفاهم فرومی‌ریزد
- ۷۱ انعکاس حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۷۶ الزامات بین‌المللی دولت
- ۸۳ جستار دوم : داغ‌ننگ بردگی
- ۸۳ بردگی چگونه پیدا شد
- ۸۵ سوابق تاریخی
- ۸۷ برده‌داری و اسلام
- ۸۸ خلافت عباسی و تسلط بردگان
- ۸۹ قیام زنگیان (شورش بردگان)
- ۹۰ کشف امریکا و بازار داغ تجارت برده
- ۹۱ لاک و مسئله بردگی
- ۹۲ نظریه جنگ مشروع لاک
- ۹۴ نهضت منع بردگی
- ۹۵ احتمال مطالبه خسارت از سوی افریقاییان
- ۹۷ جستار سوم : نقب در قلعه حاکمیت
- ۹۷ نظریه حاکمیت و سابقه تاریخی آن
- ۹۸ سوء استفاده از حق حاکمیت
- ۱۰۰ نظریه بنیادگرایانه
- ۱۰۱ یکتاگرایان و دوتاگرایان
- ۱۰۲ دادگاه اروپایی حقوق بشر
- ۱۰۳ یک پیام تازه
- ۱۰۴ توسعه قلمرو صلاحیت دادگاه
- ۱۰۵ قضایای پینوشه و میلوشویچ
- ۱۰۶ خانه شیشه‌ای دولت
- ۱۱۰ حقوق طبیعی - حقوق بشر
- ۱۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، با طرح‌های اردشیر رستمی (در هوای حقوق بشر)
- ۱۷۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
- ۱۸۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

.....
ببایست خواندن حقوق بشر
که تا خود بدانید ز آیین و راه
بد و نیک گیتی نباشد ز شاه

— ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان

از کتاب معروف فرهنگ فلسفی ولتر نقل کرده‌اند که گفته است:
حقوق بشر یعنی آن که جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به زبان قلم
با دیگران سخن گوید. حقوق بشر یعنی آن که نتوان کسی را بدون حضور یک
هیئت منصفه متشکل از افراد مستقل به مجازات محکوم کرد، یعنی آن که
محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانون صورت گیرد، یعنی آن که انسان
بتواند با آرامش خاطر به هر دین که خود برمی‌گزیند متدین گردد.

این حقوق بشر چنان که از تأمل در تعریف ولتر پیداست از همان آغاز جنبه
جهانی داشته است. روی سخن منادیان آن حقوق با کشور خاص و جامعه
معنی نیست. مخاطبین آنان کل دنیای بشر است بی هیچ ملاحظه رنگ و
تبار و مرزهای جغرافیایی. این حقوق از آنگاه که در قرن هجدهم به طور
جدی مطرح شد روز به روز بر غنای خود افزوده و دایره مطالبات خود را
توسعه داده است.

مراحل نخستین این حرکت به صدور بیانیه حقوق بشر و شهروند سال

گستگي، همچنان ادامه یافته و به تأسيس رشته‌ای از حقوق که به نام حقوق بشر شناخته می‌شود منتهی گشته است.

از تأکید بر عدم مداخله دولت تا تأکید بر لزوم مداخله

حقوق بشر در مراحل نخستین پیدایش خود تأکید بر آزادی‌های منفی داشت. مقصود اصلی در این مرحله مشخص کردن جنبه‌هایی در زندگی فردی بود که می‌بایستی از مداخله دولت و نظامات و قوانین آن در امان بماند. همه تأکید بر آن بود که دولت در این زمینه‌ها مداخله نکند و مردم را آزاد بگذارد. اما در مرحله دوم کم‌کم این اندیشه مطرح شد که التزام دولت به مداخله نکردن در این زمینه کافی نیست بلکه دولت باید در مواردی مکلف گردد که از صورت ناظر بی طرف خارج شود و خود را موظف بداند که اقداماتی برای تحکیم حقوق و آزادی‌های فردی انجام دهد. جلوگیری از ادامه بی‌عدالتی‌ها، و پیروزی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی که گاهی ریشه در قرون و اعصار دارد به صرف عدم مداخله دولت حاصل نمی‌شود. دولت نه تنها باید ملتزم باشد که بی‌عدالتی‌ها را دامن نخواهد زد و نابرابری‌ها را نخواهد افزود بلکه باید در رفع آن‌ها نیز بکوشد. نه تنها باید ملتزم باشد که نابرابری‌ها را تقویت و تحکیم نخواهد کرد بلکه باید عملاً در مبارزه برای برانداختن آن‌ها اقدام کند و این فکر جدید ثمره الهامی است که از تعالیم سوسیالیستی گرفته شد و مسیر حقوق بشر را تغییر داد.

به عنوان مثال یادآور می‌شویم که یکی از حقوق اساسی مقرر در ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آموزش و پرورش است: «هر کس حق دارد که از آموزش بهره‌مند شود.» آموزش مورد نظر در این ماده معطوف به «رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت حس احترام نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» است. پیداست که مقصود از تأسيس این حق در درجه اول برخوردار کردن کودکان از موهبت آموزش و پرورش است. صاحب حق هر واقع خود کودک یا والدین او، و متعهد اجرای آن دولت است. اما باید

۱۷۸۹م در انقلاب فرانسه انجامید. مسئله حقوق و آزادی‌ها به زودی در قوانین اساسی کشورهای دیگر راه پیدا کرد. کشور هلند در سال ۱۷۹۸م، سوئد در سال ۱۸۰۹م، اسپانیا در سال ۱۸۱۲م، نروژ در سال ۱۸۱۴م، بلژیک در سال ۱۸۳۱م، دانمارک در سال ۱۸۴۹م و پروس در سال ۱۸۵۰م به جرگه کشورهای دارای قانون اساسی مکتوب پیوستند. ظاهراً در حال حاضر همه کشورهای پیشرفته و مهم جهان، جز انگلستان و نیوزیلند و اسرائیل، دارای قوانین اساسی مکتوب هستند که فصولی از آن به تضمینات مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی و سیاسی اختصاص یافته است. در انگلستان اگرچه قانون اساسی مکتوب وجود ندارد لیکن سندی به نام لایحه حقوق^۱ حتی پیش‌تر از فرانسه، یعنی در ۱۹ فوریه سال ۱۶۸۹م، به تصویب پادشاه رسیده بود. به موجب این لایحه تعلیق یا الغای قوانین، تشکیل محاکم و وضع مالیات‌ها بدون موافقت قبلی پارلمان ممنوع گردیده و آزادی انتخابات و مباحثات پارلمانی تضمین شده بود. به طور کلی این اندیشه در طول قرون شانزدهم و هفدهم میلادی در اروپا جا افتاده بود که: گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست. «خداوند رعیت را برای پادشاه نیافریده است که هر چه او گفت، از بد و خوب و صواب و ناصواب، انجام دهد و چون برده از او فرمان برد بلکه پادشاه برای رعیت است که اگر رعیت نباشد پادشاه نیز نیست.»

بدین گونه آن حقوق الهی و آسمانی که هواداران سلطنت برای پادشاه قائل بودند مورد تردید قرار گرفته و فلسفه سیاسی عصر روشن اندیشی به موازات پیشرفت علوم طبیعی زمینه را برای تلقی جدیدی از روابط مردم با حکومت آماده کرده بود. نضج و شکوفایی این اندیشه‌ها که با نوشته‌های هابز و برک و لاک و هیوم و بنتام و میل در بریتانیا و مونتینی و روسو و ولتر و منتسکیو و توکویل در فرانسه شروع شد در سیزده سال اخیر، تقریباً بدون هیچ وقفه و

^۱ Bill of Rights